

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۸

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال دوم

مقالات

- تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها
- حقوق دفاعی متهم در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری
- تمیز خوانده دعوا
- تحلیل حقوقی حمایت‌های درمانی سازمان تأمین اجتماعی
- موضوع ویژه: حق شهروندان به برخورداری از محیط زیست سالم با تأکید بر مسأله آلودگی کلان‌شهرهای ایران
- پایش حمل‌ونقل شهری و کاهش آلودگی هوا: مطلوب زیست‌محیطی کلان‌شهرها
- تعهد به همکاری بین‌المللی در مقابله با هجوم ریزگردها به ایران
- مقابله با آلودگی‌های ناشی از امواج الکترومغناطیسی در کلان‌شهرها
- آلودگی هوای تهران و حق شهروندان بر محیط زیست سالم
- تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها
- نفع عمومی در دعاوی زیست‌محیطی: رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و محاکم ملی
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در دام گرمایش جهانی: اجلاس کنکان مکزیک (۲۰۱۰)
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه
- نقد و معرفی
- گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه





گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه

سعید حقانی*

مقدمه

۲۳ سپتامبر سال ۱۹۶۷ شاهد پیدایش نهادی نوین برای سازماندهی همکاری‌های بین‌بنگاهی در حقوق فرانسه بود. این قالب نوین که نام «گروه منفعت اقتصادی»^۱ (از این پس، گروه منفعت اقتصادی) به خود گرفت، طی قانون تفویضی ۸۲۱-۶۷ به‌مثابه قالبی واسط بین «انجمن» و «شرکت» در دسترس فعالان اقتصادی قرار گرفته و به زعم پاره‌ای از نویسندگان فرانسوی در جهت ایجاد نهادی اصیل طرحی نو در انداخت. در نظر این دسته از نویسندگان، گروه منفعت اقتصادی به‌خوبی توانست خلاً حقوقی بین شرکت‌ها و انجمن‌ها را برطرف کرده و به رونق فعالیت‌های اقتصادی کمک کند. در واقع، از یک سو، مطابق قانون ۱۹۰۱ در رابطه با انجمن‌ها^۲، باید گفت که انجمن‌ها قالب‌هایی غیرانتفاعی بوده و نمی‌توانستند به فعالیت‌های انتفاعی بپردازند و از دیگر سو، به‌موجب ماده ۱۸۳۲ سابق قانون مدنی فرانسه^۳، شرکت‌ها صرفاً با هدف تحصیل «سود»^۴ تشکیل می‌شدند و

saeed.haghani4@gmail.com

* کارشناس ارشد حقوق خصوصی

این مقاله را به استاد محترم جناب آقای دکتر عبدالرسول قذک تقدیم می‌دارم.

1. Groupement d'intérêt économique

۲. این ماده اعلام می‌دارد: «انجمن عبارت است از قراردادی که از طریق آن چند شخص به طور دائم اطلاعات

و فعالیت خود را در راستای دستیابی به هدفی غیر از [تحصیل و] تقسیم سود به اشتراک می‌گذارند.»

La Loi du 1er Juillet 1901 (version en vigueur au 26 Octobre 2010), Art. 1, disponible à:

← <http://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=LEGITEXT000006069570&dateTexte=20101026> page consultée le 18 Janvier 2011.

۳. ماده ۱۸۳۲ سابق قانون مدنی فرانسه چنین تنظیم شده بود: «شرکت قراردادی است که به موجب آن دو یا

چند شخص توافق می‌کنند که به منظور تقسیم سود حاصله چیزی را به اشتراک گذارند.» (تأکید از نویسنده)

حسب رأی وحدت رویه مورخ ۱۱ مارس ۱۹۱۴ دیوان کشور فرانسه سود بر «هر عایدی مالی یا مادی که بر دارایی شرکا بیافزاید» قابل اطلاق بود. از همین رو این دسته از نویسندگان معتقد بودند که پاره‌ای از فعالیت‌هایی اقتصادی را می‌توان یافت که در عین انتفاعی بودن متضمن هیچ‌گونه سود مادی نبوده و صرفاً منجر به «صرفه‌جویی»^۴ در هزینه‌ها می‌شوند؛ فعالیت‌هایی که با توجه به قواعد و مقررات پیش‌گفته نه در قالب انجمن قابل پیگیری‌اند و نه در قالب شرکت و قالب سودی را طلب می‌کنند.^۵

گروه منفعت اقتصادی که در فرانسه با استقبال خوبی در ابتدای کار مواجه شد، در اثر بحران اقتصادی ۱۹۷۳ شاهد افول در استقبال فعالان اقتصادی بود.^۶ اما دیری نپایید که در سال ۱۹۸۵ با پذیرش این قالب حقوقی (گروه منفعت اقتصادی اروپایی) در سطح اتحادیه اروپا،^۷ نخستین قالب همکاری‌های اقتصادی فرامرزی در سطح اتحادیه اروپا با به عرصه حقوقی نهاد و به آرزویی بزرگ که از بدو پیدایش جامعه اروپا در قالب شرکت اروپایی^۸ مدنظر قرار داشت، جامه عمل پوشانید. همین امر به نوبه خود موجب تغییراتی در قوانین فرانسه در سال ۱۹۸۹ در رابطه با گروه منفعت اقتصادی گردید. النهایه با تدوین قانون تجارت نوین فرانسه در سال ۲۰۰۰، مواد L.225-1 تا L.251-23 به بیان مقرراتی پیرامون گروه منفعت اقتصادی فرانسوی اختصاص یافته و مواد L.252-1 تا L.252-12 به انشای مقرراتی در رابطه با گروه منفعت اقتصادی اروپایی می‌پردازند. پذیرش گروه منفعت اقتصادی در سایر سیستم‌های حقوقی ملی و منطقه‌ای به اتحادیه اروپا منحصر نمانده و در کنار تعداد معتناهی از کشورهای اروپایی و افریقایی، سازمان اوهادا^۹ نیز به وضع مقرراتی در این رابطه پرداخت و شاید همین استقبال کم‌نظیر از این قالب حقوقی بود که دست‌اندرکاران تدوین قوانین در ایران را نیز به صرافت تدوین مقرراتی در این رابطه انداخت.

برای نخستین بار طی مواد ۱۰۱ تا ۱۲۱ لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ نهادی با

Code Civil, Paris, Dalloz, 1973-74, Art. 1832, p. 821.

(است).

4. Bénéfice

5. L'économie

6. Christian Lavabre, *Le groupement d'intérêt économique*, une expérience de liberté contractuelle, Librairie technique, Paris, 1972, pp. 1-24.

Joseph Hamel et al., *Droit commercial*, Tome 1, Vol. 2 (sociétés, groupement d'intérêt économique, entreprises publiques), par Gaston Lagarde, Paris, Dalloz, 2e éd., 1980, no. 871, p. 701.

7. Philippe Merle, *Droit commercial (sociétés commerciales)*, Paris, Dalloz, 12e éd., 2008, no 620, p 771.

8. See Council regulation (EEIG), no. 2137/85 of 25 July 1985 on the European Economic Interest Groupings (EEIG). available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:31985R2137:EN:HTML> last visited January 18, 2011.

9. Societas europaea /SE

10. Organisation pour l'Harmonisation en Afrique du Droit des Affaires

مقرره‌ای در رابطه با گروه اقتصادی با منافع مشترک است. با این حال تلاش‌ها به همین جا ختم نشد و بالاخره تدوین‌کنندگان قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (از این پس، قانون برنامه پنجم)^{۱۴} بدین امر توجه کرده و ماده ۱۰۷ آن لایحه و سه تبصره آن را بدین گروه‌ها اختصاص دادند. مطابق این ماده:

«تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و بر اساس قراردادی کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکتها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است.

تبصره ۱- تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضاء گروه به طور تضامنی مسؤول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد.

تبصره ۲- عملیات مربوط به دفاتر تجاری، بازرسی و تصفیه، مطابق ماده ۶ و احکام باب یازدهم قانون تجارت و مواد ۱۵۱ و ۱۵۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ انجام می‌شود.

تبصره ۳- فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد « هرچند متن قانونی پیش‌گفته دست آخر موجب راهیابی گروه منفعت اقتصادی به سیستم حقوقی ایران گردید، ولی در جای خود این رهیافت به شیوه مطلوبی به عمل نیامد. صرف‌نظر از اشکالات فنی این متن، در این نوشته به بررسی دو اشکال کمتر ماهوی این مقرره می‌پردازیم.»

۱- موقتی بودن قانون برنامه پنجم

قانون برنامه پنجم - درست یا نادرست - عنوان «برنامه پنجساله توسعه» به خود گرفته است.

۱۴. نک: قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، روزنامه رسمی، سال شصت‌وششم، شماره ۱۹۲۰۴، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۸۹. این قانون به این نشانی نیز در دسترس است (بازبینی واپسین ۴ ژوئیه ۲۰۱۱):
<<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>>

از همین روست که ماده ۲۳۵ این قانون اعلام داشته است: «این قانون تا پایان سال ۱۳۹۴ هجری شمسی معتبر است». به دیگر سخن می‌توان گفت که این قانون یک «قانون موقت و زمان‌مند» است. این وضعیت، دو گونه اشکال در پی دارد:

۱-۱- اعتبار قانون برنامه پنجم

برخی از حقوقدانان^{۱۵} در اصل اعتبار این قانون تردید دارند. ایشان معتقدند که گنجاندن این قبیل مواد در قانون برنامه پنجم در وهله نخست تخطی آشکار دولت از چارچوب اختیارات خود است؛ چه این برنامه‌ها به استناد بند ۳ ماده ۱ قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ و تحت عنوان «برنامه عمرانی پنجساله» باید تدوین شوند^{۱۶} ولی دولت با سوءاستفاده از این اختیار نسبت به گنجاندن موارد معتنابهی از موادی که جنبه عمرانی ندارند در لایحه خود نموده است. این مسأله بدین خاطر از اهمیت برخوردار است که این برنامه نه به صورت دو شوری، بلکه به صورت یک شوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از دیگر سو، مجلس نیز با تصویب این مقرر از وظایف خود تخطی کرده است. با توجه به اینکه موادی از لایحه تقدیمی دولت به هیچ وجه جنبه عمرانی نداشته‌اند، مجلس نمی‌توانسته است این مواد را ضمن قانون برنامه پنجم به صورت قانون موقت به تصویب برساند؛ چراکه به استثنای لایحه بودجه سالانه و قانون پنج‌ساله عمرانی، «تصویب قانون علی‌الاصول و در چارچوب اصل ۷۱ قانون اساسی باید به گونه دائمی باشد مگر اینکه با تصویب قانون لاحق، قانون موجود نسخ صریح یا ضمنی شود»^{۱۷}.

۱۵. محمود کاشانی، «لایحه برنامه پنجم قابل طرح در مجلس نیست»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، پاییز ۱۳۸۹، ش ۴۱، دوره جدید (ش ۲۱۰ پیاپی)، صص ۲۰-۱۱.

۱۶. البته پیش از این تاریخ نیز برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله به تصویب رسیده بودند. به عنوان نمونه برنامه‌های عمرانی سوم، چهارم و پنجم به ترتیب از اول مهر ۱۳۴۱، اول فروردین ۱۳۴۷ و اول فروردین ۱۳۵۲ اجرایی شدند. در واقع این برنامه‌ها مکمل انقلاب سفید و اصلاحات ارضی محمدرضا پهلوی به شمار رفته‌اند «در شرایطی که اصلاحات ارضی مناطق روستایی کشور را تغییر می‌داد، برنامه‌های توسعه پنج‌ساله نیز که در سازمان برنامه و بودجه طراحی شده بود انقلاب صنعتی کوچکی را به همراه داشت. امکانات و تأسیسات بندری بهبود یافت، راه‌آهن سراسری ایران توسعه یافت و تهران به مشهد، تبریز و اصفهان متصل و همچنین راه‌های اصلی بین تهران و مراکز استان‌ها آسفالت شد؛ کارخانه‌های پتروشیمی، پالایشگاه‌های نفت و سدهایی که نام اعضای خانواده سلطنتی بر آنها گذاشته شد احداث شد...» (پرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱). پیش از آن هم برنامه‌های هفت‌ساله عمرانی وجود داشته‌اند.

۱۷. محمود کاشانی، پیشین، ص ۱۴.

۲-۱- مدت اعتبار ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم

نخستین پرسشی که با عنایت به موقت بودن ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم به ذهن می‌آید این است که گروه‌های تشکیل شده تحت این ماده پس از گذشت مدت اعتبار این قانون چه وضعیتی خواهند داشت. اما مسأله جدی‌تر مربوط به گروه‌هایی است که بخواهند پس از گذشت مدت اعتبار این قانون تشکیل شوند؛ چه علی‌الاصول نمی‌توان بر اساس قانونی که از اعتبار افتاده است شخصیت حقوقی به وجود آورد.

مشکل قوانین موقت (زمان‌مند) فقط به قانون برنامه پنجم ختم نشده و منشأ اشکالات بسیاری در سیستم حقوقی ایران گردیده است؛ چه قوانینی که به صورت موقت به تصویب کمیسیون‌های خاص مجلس رسیده‌اند (همچون قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی)، چه آن‌هایی که در صحن علنی مجلس ولی به صورت موقت و زمان‌مند تصویب شده‌اند (همچون برخی تبصره‌های بودجه سالانه و برنامه‌های پنج‌ساله) و چه آن‌هایی که سابقاً با اجازه قوه مقننه توسط قوه مجریه به صورت «تصویب‌نامه قانونی» یا «قانون تفویضی» صورت قانونی یافته‌اند (همچون لایحه قانونی اصلاح موادی از قانون تجارت ۱۳۴۷). برخی از حقوقدانان با هدف از میان برداشتن این مشکل در رابطه با قوانین بودجه معتقدند:

«چاره در این است که از موضوع قانون و ارتباط آن با بودجه اراده قانونگذار در بقا یا نسخ این‌گونه تبصره‌ها به دست آید: در مواردی که تبصره‌ها ناظر به دخل و خرج کشور و وضع مالیات و تقسیم درآمد و مانند اینهاست اعتبار قانون محدود به سال مالی است و اگر در قانون بودجه سال بعد نیاید لغو شده محسوب است. برعکس، تبصره‌هایی که غلط افتاده و مفاد حکم چنان است که نمی‌تواند موقت باشد، پس از پایان سال نیز به‌عنوان قانونی مستقل، قابل اجراست. برای مثال، اگر ضمن قانون بودجه صلاحیت دادگاهها یا سن بازنشستگی تغییر داده شود، این قواعد را نمی‌توان موقتی و محدود به سال مالی دانست»^{۱۸}.

درست است که می‌توان با استفاده از ملاک ارائه شده در این نظر، ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم را پس از پایان مدت اعتبار آن نیز اجرا نمود، ولی به هر روی، این‌گونه قانونگذاری مطلوب نبوده و شایسته بود قانونگذار در متنی که اعتبار آن محدود به مدت خاصی نباشد چنین مقرره‌ای را می‌گنجاند.

۱۸. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۳۹،

۲- قانون حاکم بر گروه اقتصادی با منافع مشترک

پرسش دیگر مربوط به مقررات حاکم بر این قالب است. در پیش‌نویس قانون تجارت ۱۳۸۴ تعداد ۲۱ ماده به بیان مقرراتی در رابطه با این گروه‌ها اختصاص داده شده است. این مواد به انشای احکامی ناظر بر سه مرحله تشکیل، فعالیت و انحلال این گروه‌هاست. با اینکه پیش‌نویس مزبور برخی موارد را به سکوت برگزار کرده است و می‌توانست با اختصاص موادی دیگر ابهام ناشی از این سکوت را از میان بردارد، ولی در کلیت خود می‌تواند- با اعمال بعضی اصلاحات- مقررات معقولی برای حاکمیت بر گروه‌های اقتصادی به‌شمار آید. طرفه این است که نویسندگان قانون برنامه پنجم تنها و تنها یک ماده برای بیان مقررات مربوط به تشکیل، فعالیت و انحلال گروه‌های اقتصادی اختصاص داده‌اند (!!)). جالب توجه آنکه قانونگذار مراکش طی قانون ۹۷-۱۳ مصوب سال ۱۹۹۹ میلادی، ۷۱ ماده را به این گروه‌ها اختصاص داده است.^{۱۹} در واقع این اشکال هم از بی‌برنامگی دولت و هم از کم‌کاری و بی‌مسئولیتی نمایندگان مجلس ناشی می‌شود. برنامه پنج‌ساله عمرانی (توسعه) به هیچ وجه قانونی مناسب برای طرح چنین مقرره‌ای نبوده است.

حال که برنامه پنجم عنوان «قانون» به خود گرفته است پرسش این است که در صورت مواجهه با این موارد چه باید کرد. وضعیت در این جا به‌حدی بغرنج است که نمی‌توان با استمداد از راه‌حل‌های سنتی به رفع مشکل پرداخت: اعمال اصل ۱۶۷ قانون اساسی در مسأله حاضر- بر فرض اینکه این اصل در سایر قضایا راه‌حل معقولی ارائه نماید- بی‌معنا است؛ چراکه نمی‌توان سابقه‌ای در فقه برای آن یافت. روح قوانین نیز در رابطه با قالب جدیدی که فاقد سابقه تقنینی در مقررات کشور ماست کمک چندانی نخواهد نمود مگر ارائه اصولی کلی که چه بسا موجب ایجاد اشکال در فعالیت گروه‌های اقتصادی گردد. در این شرایط به‌نظر می‌رسد باید منتظر تصویب قانون تجارت جدید- علی‌رغم تمام اشکالاتش- ماند. ما ذیلاً هر یک از مراحل سه‌گانه تشکیل، فعالیت و انحلال را بررسی کرده و خواهیم دید که این سکوت و احکام کلی قانونگذار چه اشکالاتی در پی خواهد داشت.

۱۹. برای ملاحظه متن عربی روزنامه رسمی، نک: *الجریده الرسمية، المملكة المغربية، النشرة العامة، السنة الثامنة و الثمانون، عدد ۶۷۸، ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۱۹* (فاتح اپریل ۱۹۹۹)، ص ۶۷۷ و مایلیه.

و برای دیدن ترجمه رسمی آن، نک:

Bulletin officiel, Royaume du Maroc, édition de traduction officielle, 88e année, no 4678, du 14 hijra 1419 (1er avril 1999), pp 163 et seq.

۱-۱- تشکیل گروه

گروه منفعت اقتصادی همچون سایر اشخاص حقوقی تنها در صورتی که پاره‌ای از شرایط توسط مؤسسان آن رعایت شده باشند به وجود خواهد آمد. رعایت این شرایط آثاری در پی خواهند داشت و عدم رعایت آنها ضمانت‌های اجرایی خاصی بر اعضا و گروه بار خواهد نمود. ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم از میان تنها به ذکر برخی از شرایط تشکیل گروه بسنده کرده است. در این وضعیت معلوم نیست که در صورت عدم رعایت هر یک از این شرایط وضعیت حقوقی گروه چگونه خواهد بود و چه مسؤولیت‌های حقوقی (مدنی و کیفری) بر اعضا بار خواهد شد.

اما مشکل به همین جا ختم نمی‌شود. نویسندگان قانون مزبور در مقام برشمردن شرایط لازم برای تشکیل گروه نیز این شرایط را به طور کامل احصا نکرده و صرفاً به بیان برخی از این شرایط اکتفا نموده‌اند، به گونه‌ای که موارد احصا شده تنها به عنوان شرایط لازم و نه کافی قابل توصیف‌اند. عدم ذکر سایر شرایط موجب می‌شود که گروه اقتصادی با منافع مشترک را به هیچ وجه نتوان به عنوان یک قالب حقوقی اصیل در مقایسه با سایر قالب‌های حقوقی توصیف نمود. پیشتر دیدیم که گروه منفعت اقتصادی به مثابه قالبی حقوقی که صرفاً برای کاستن از هزینه‌های اعضا تشکیل می‌شود مورد شناسایی واقع شده است. از این رو در قوانین کشورهای مختلف شرایطی به منظور تضمین این ویژگی و فلسفه پیش‌بینی شده‌اند. از جمله مقرر شده است که فعالیت گروه نه تنها باید با فعالیت اعضا مرتبط باشد، بلکه لازم است این فعالیت نسبت به فعالیت اعضا «کمکی»^{۲۰} به حساب آید. همچنین پیش‌بینی شده است که گروه نمی‌تواند با هدف کسب سود مادی برای خود تشکیل شود بلکه هدف گروه تنها می‌تواند کاستن از هزینه‌های اعضا باشد. به این ترتیب هرچند تفاوت‌هایی چند بین قوانین مختلف در شمار و کیفیت این شرایط وجود دارد، ولی همگی این قوانین شرایط چندی را پذیرفته‌اند که موجب تمییز گروه منفعت اقتصادی در مقایسه با سایر نهادهای مشابه همچون انجمن و شرکت می‌شوند.

از میان شرایطی که در قوانین سایر سیستم‌های حقوقی برای تشکیل گروه منفعت اقتصادی لازم دانسته شده است، ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم تنها به لزوم وجود «دو یا چند شخص»، «به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری»، «بر اساس قرارداد کتبی» و «پس از ثبت در مرجع ثبت شرکتها» اشاره می‌کند.

مسئله مهم دیگر در رابطه با شخصیت حقوقی گروه منفعت اقتصادی است. گروه

منفعت اقتصادی به عنوان یکی از انواع تکنیک‌های همکاری بین‌بنگاهی مبتنی بر ایجاد شخص حقوقی^{۲۱} به فعالان اقتصادی عرضه شد. اما در متن مورد تصویب معلوم نیست که آیا گروه‌های اقتصادی با منافع مشترک از شخصیت حقوقی برخوردارند یا نه. حسب قسمت اخیر ماده ۱۰۷ تشکیل این گروه‌ها «پس از ثبت در مرجع ثبت شرکتها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی... مجاز است». با توجه به اینکه از یک سو، شرکت‌های مدنی در حقوق ایران فاقد شخصیت حقوقی هستند و از دیگر سو، مطابق موازین اسلامی هم شخصیت حقوقی - دست‌کم برای قالب‌های شرکتی - شناخته نشده است^{۲۲}، به نظر می‌رسد که این عبارت می‌تواند به معنای عدم وجود شخصیت حقوقی برای گروه اقتصادی با منافع مشترک در نظر گرفته شود. در حالی که احصای مواردی برای انحلال گروه (تبصره ۳) و مواردی از این دست می‌توانند مشعر بر وجود شخصیت حقوقی برای گروه‌های مزبور دانسته شوند.

در صورت وجود شخصیت حقوقی نیز مشخص نیست که این شخصیت حقوقی شخصیتی مدنی است یا تجاری. گروه منفعت اقتصادی - برخلاف آنچه برخی از نویسندگان اشاره نموده‌اند^{۲۳} - از بدو پیدایش در فرانسه می‌توانسته است به فعالیت‌های تجاری یا مدنی پردازد و ثبت گروه در دفتر ثبت تجاری اماره تجاری بودن آن محسوب نمی‌شده است (نک: پاراگراف نخست ماده 4-251 L. قانون تجارت فرانسه). نویسندگان لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ بدین امر توجه کافی مبذول نداشته و شاهد تعارض بین مواد ۱۰۳ و ۱۱۴ لایحه از یک سو و مواد ۱۲ و ۱۰۱ آن لایحه از سوی دیگر هستیم^{۲۴}. همین وضعیت در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم نیز موجود است: از یک سو، این گروه‌ها باید «در قالب شرکت مدنی» تشکیل شوند و از دیگر سو، تشکیل آن‌ها «به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری» اعضای گروه است و همچنین این گروه‌ها مشمول «عملیات مربوط به دفاتر تجاری... و تصفیه، مطابق ماده ۶... و احکام باب یازدهم قانون تجارت» قرار گرفته‌اند (تبصره ۲ ماده).

21. Les techniques du groupement-personne morale

۲۲. در این رابطه، نک: کاظم حسینی شیرازی، *فقه العقود*، ج ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۸ ه.ق.، صص ۸۰-۱۰۹.

۲۳. ربیعا اسکینی، «تأملاتی در خصوص قانون تجارت مصوب تیرماه ۱۳۸۴ هیأت وزیران»، *مجله پژوهشهای حقوقی*، ش ۱۴، نیمسال دوم ۱۳۸۷، ص ۳۵۴.

۲۴. در این رابطه، نک: سعید حقانی، «گروه منفعت اقتصادی»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی*، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ش ۸۲ و ۸۳، صص ۶۷-۶۵.

۲-۱- فعالیت گروه

در بررسی فعالیت گروه باید از یک سو به بررسی وضعیت اعضای گروه پرداخته و از سوی دیگر، به ارکان گروه توجه نمود. اعضای گروه در برابر اشخاص ثالث بابت بدهی‌های پرداخت نشده گروه مسئولیت تضامنی دارند. همچنین ایشان می‌باید نسبت به تأدیه آورده خود اقدام کرده و در نیازهای گروه تسهیم نمایند. لازم است اعضا در ارتباط با گروه نقشی فعال ایفا نمایند. اعضا نسبت به پرداخت سهم خود به عضو که بدهی‌های گروه را در مقابل شخص ثالث پرداخته است، مسئول اند. در مقابل این مسئولیت‌ها اعضا از نتایج مثبت گروه - همچون سود حاصله از فعالیت‌های گروه و باقیمانده اموال گروه پس از تصفیه - برخوردار خواهند شد. همچنین اعضا می‌توانند اطلاعات لازم را از گروه درخواست نمایند.

در کنار اعضا، گروه توسط سه رکن (مجمع عمومی، نهاد نظارتی و نهاد مدیریتی) به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مجمع عمومی صلاحیت عام برای اتخاذ تمامی تصمیمات در گروه را دارد. مدیریت گروه به وسیله یک یا چند شخص به عمل می‌آید و مسئولیت‌های خاصی متوجه این مدیر(ان) خواهد بود. اما در رابطه با نهاد نظارتی گروه رویکرد یکسانی بین کشورهای مختلف وجود ندارد: در حالی که برخی از قانونگذاران صرفاً نظارت بر مدیریت را پیش‌بینی کرده‌اند، برخی دیگر نظارت بر حساب‌ها را در رابطه با گروه منفعت اقتصادی لازم دانسته‌اند و دسته سومی هر دو نظارت را ضروری می‌دانند.

ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم تنها سه مقرر در رابطه با فعالیت گروه وضع نموده است: ۱. «تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست» (قسمت نخست تبصره ۱) ۲. «اعضاء گروه به طور تضامنی مسئول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر اینکه با اشخاص طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد» (قسمت اخیر تبصره ۱) ۳. «بازرسی... مطابق... مواد ۱۵۱ و ۱۵۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ انجام می‌شود» (قسمتی از تبصره ۲). اکتفا کردن به قواعدی چنین موجز و مختصر سوالات بی‌شماری را بی‌پاسخ می‌گذارد: آیا اعضای که از گروه خارج می‌شوند در قبال بدهی‌های پس از خروج خود مسئولیت تضامنی با اعضای گروه دارند یا نه؟ در نقطه مقابل، اعضای جدید که به گروه می‌پیوندند بابت دیون سابق بر ورود خود با سایر اعضای گروه مسئولیت تضامنی دارند یا نه؟ آیا عضویت در یک گروه اقتصادی که به فعالیت تجاری می‌پردازد (بر فرض اینکه چنین گروهی مطابق ماده ۱۰۷ قابلیت تشکیل داشته باشد) موجب تاجر تلقی شدن اعضای گروه

خواهد بود یا نه؟ آیا می‌توان شخص حقوقی را به‌عنوان مدیر گروه برگزید یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، شخص حقیقی معرفی شده از جانب شخص حقوقی برای تصدی و اعمال مدیریت گروه چه مسؤولیتهای مدنی و کیفری خواهد داشت؟ آیا آن دسته از اقدامات مدیر که خارج از موضوع گروه قرار می‌گیرد نیز می‌تواند گروه را متعهد کرده و در نتیجه گروه حق استناد به بطلان آنها را نخواهد داشت یا راه‌حل دیگری را باید پذیرفت؟ مدیر(ان) توسط چه ارگانی در گروه انتخاب شده و مدت تصدی سمت مدیریت توسط وی (ایشان) چند سال است؟ آیا می‌توان مدیر(ان) را از خارج گروه برگزید؟ آیا می‌توان از اشاره ماده ۱۵۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ به «مجمع عمومی» چنین برداشت نمود که در گروه‌های اقتصادی رکنی با نام «مجمع» وجود دارد یا نه؟

۳-۱- انحلال گروه

در رابطه با انحلال گروه‌های اقتصادی تنها با دو مقرر در ماده ۱۰۷ مواجهیم: ۱. «تصفیه... مطابق... احکام باب یازدهم قانون تجارت»^{۲۵}... انجام می‌شود» (قسمتی از تبصره ۲) ۲. «فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد» (تبصره ۳)

انحلال گروه منفعت اقتصادی به‌سان سایر اشخاص حقوقی دو دسته از مباحث را در پی دارد: نخست، موجبات و موارد انحلال باید تعیین شوند. دوم، آثار انحلال باید برشمرده شوند. آثار انحلال در این ماده ذکر نشده‌اند، هرچند این آثار تفاوت چندانی با آنچه بر انحلال سایر اشخاص حقوقی بار می‌شود ندارند. در عین حال مواردی که به‌عنوان موجبات انحلال شمرده شده‌اند، تنها برخی از موارد انحلال هستند که آنها را «موجبات انحلال با اثر نسبی»^{۲۶} می‌نامند بدین معنا که اعضا می‌توانند با پیش‌بینی عدم انحلال گروه در این موارد از انحلال گروه جلوگیری نمایند. اما برخی از موارد انحلال را می‌توان «موجبات انحلال با اثر مطلق»^{۲۷} نامید؛ مواردی که پیش‌بینی عدم انحلال گروه نیز در آنها کارساز نبوده و به‌صورت مطلق موجب انحلال خواهند بود. از جمله باید به «انجام یافتن یا از بین رفتن موضوع گروه» و نیز «سررسید مدت گروه» اشاره نمود. در کنار این‌ها با مواردی مواجهیم که اراده یکی از اعضا (انحلال با دلایل موجّه^{۲۸}) یا همه ایشان (انحلال

۲۵. باب یازدهم قانون تجارت ۱۳۱۱ که از ماده ۴۱۲ شروع می‌شود، تحت عنوان «ورشکستگی» آمده است.

26. Causes de dissolution à effet relatif

27. Causes de dissolution à effet absolu

28. Dissolution à justes motifs

به موجب تصمیم جمعی اعضا^{۲۹}) موجب انحلال گروه است.^{۳۰} ماده مزبور تنها به موارد انحلال با اثر نسبی اشاره نموده و از ذکر سایر موارد انحلال خودداری کرده است. اما مشکل از این هم فراتر خواهد رفت؛ حتی اگر مجلس اقدام به تصویب لایحه قانون تجارت نماید، مشکل دیگری در رابطه با مقررات حاکم بر گروه اقتصادی با منافع مشترک باقی خواهد ماند. در حقیقت، ورود قالب‌هایی همچون شرکت‌های تجاری به حقوق ایران صرفاً با اختصاص پاره‌ای مقررات به این قالب‌ها انجام نشده و قانونگذار طی سالیان متمادی آثاری چند بر این قالب‌ها، عضویت در آن‌ها، مدیریت آن‌ها و... بار کرده است. برای نمونه اصل ۸۱ قانون اساسی «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان» را «مطلقاً ممنوع» اعلام می‌دارد. همچنین به موجب اصل ۱۴۱ همان قانون «رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند... و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است». به موجب ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی «دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصله بین شرکا و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود». پرسش این است که آیا این دسته از مقررات نسبت به گروه‌های اقتصادی نیز شمول خواهند داشت یا نه. این مشکل به‌ویژه از این جهت که این قبیل مقررات در قانون اساسی، قوانین حقوقی و قوانین کیفری (اعم از شکلی و ماهوی) گنجانده شده‌اند و هر یک از این نصوص ممکن است روش تفسیری متفاوتی را اقتضا نماید، قابل امعان نظر است؛ از یک سو، تفسیر موسع ممکن است با پاره‌ای حقوق و آزادی‌ها در تعارض شمرده شود و از سوی دیگر، تفسیر مضیق نیز می‌تواند منجر به فرار از قانون گردد.

فهرست منابع

آبراهامیان، پرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، چاپ پنجم،

29. Dissolution par décision unanime des membres

۳۰. برای ملاحظه جهات انحلال گروه منفعت اقتصادی در قوانین کشورهای مختلف و تطبیق آنها با لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴، نک: سعید حقانی، پیشین، ش ۲۵۷ به بعد، ص ۱۸۲ به بعد.

۱۳۸۹.

اخلاقی، بهروز، «مروری بر پیش‌نویس اصلاحی قانون تجارت پیشنهادی وزارت بازرگانی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال سوم، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

اسکینی، ربیعاً، «تأملاتی در خصوص قانون تجارت مصوب تیرماه ۱۳۸۴ هیأت وزیران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، ش ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

اشمیتوف، کلایو ام.، حقوق تجارت بین‌الملل، ج ۱، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.

الجریده الرسمیه المملکه المغربیه، النشره العامه، السنه الثانه و الثمانون، عدد ۶۷۸، ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۱۹ (فاتح اپریل ۱۹۹۹).

حسینی شیرازی، کاظم، فقه العقود، ج ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الثالثه، ۱۴۲۸ ه.ق.

حقانی، سعید، «گروه منفعت اقتصادی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه، در: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال شصت و ششم، شماره ۱۹۲۰۴، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۸۹.

کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۳۹، ۱۳۸۳.

کاشار، اولیویه، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه رسول رضائیان، تهران، انتشارات مهر و ماه نو، چاپ اول، ۱۳۹۰.

کاشانی، محمود، «لایحه برنامه پنجم قابل طرح در مجلس نیست»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، پاییز ۱۳۸۹، ش ۴۱، دوره جدید (ش ۲۱۰ پیاپی).

لایحه اصلاح قانون تجارت (فرآیند و اصول تدوین و نوآوری‌ها)، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (دفتر مطالعات اقتصادی)، خرداد ۱۳۸۴.

لایحه تجارت تقدیمی به مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۸۴/۵/۱۰ و اعلام وصول و چاپ به تاریخ ۸۷/۷/۱۳ در مجلس به شماره ثبت ۱۱۴، قابل دسترسی در (بازیابی و اسپین ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱):

<http://tarh.majlis.ir/files/385893761-114%20%ac%20%84%af%20%a7%20%88%84.pdf>

Code Civil, Paris, Dalloz, 1973-74.

Hamel, Joseph et al., *Droit commercial*, Tome 1, Vol. 2 (sociétés, groupement d'intérêt économique, entreprises publiques), par Gaston Lagarde, Dalloz, Paris, 2e éd., 1980.

Lavabre, Christian, *Le groupement d'intérêt économique, une expérience de liberté contractuelle*, Paris, Librairie technique, 1972.

La Loi du 1er Juillet 1901 (version en vigueur au 26 Octobre 2010), Art. 1, disponible à: <http://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=LEGITEXT000006069570&dateTexte=20101026> page consultée le 18 Janvier 2011.

Merle, Philippe, *Droit commercial (sociétés commerciales)*, Paris, Dalloz, 12e éd., 2008.

Bulletin officiel, Royaume du Maroc, édition de traduction officielle, 88e année, no 4678, du 14 hijra 1419 (1er avril 1999).

Council regulation (EEIG), no 2137/85 of 25 July 1985 on the European Economic Interest Groupings (EEIG), available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:31985R2137:EN:HTML> last visited January 18, 2011.

JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 2

2010-2

Articles

- Reflections on Effective Criminal Convictions and their Consequences
- The Right to Defense of Accused in Administrative Contravention Settlement Board
- Determination of Defendant
- Legal Analyses of Medical Protections of Social Security Organization

**Special Issue: Citizens Right to Healthy Environment:
Pollution of Iranian Large Cities**

- Sustainability of Urban Freight and Decreasing of Air Pollution: Environmental Ideal of Large Cities
- The Commitment to International Co-operation Countering Haze to Iran
- Deal with Electromagnetic Waves Pollutions in Metropolises
- Tehran Air Pollution and Citizen Rights on Healthy Environment
- The Effect of Intellectual Property Rights System on Metropolis Pollution
- Public Interest Litigation Concerning Environmental Matters before Human Rights Courts and National Courts
- The Right To Healthy Environment as a Hostage of Global Warming: Cancun Conference (2010)
- Right to a Healthy Environment in French Legal System

Critique and Presentation

- Economic Interest Grouping in the Fifth Development Plan

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study